

گفتگوهای دو همکار

در میان گفتگو، پیدا شود مستورها

امیرفیض- حقوقدان

موضوع این تحریر دستاوردهای حاصل از گفتگوی آقایان مبینی و فرامرز فروزنده است، درباره کناره گیری آقای فروزنده از تلویزیون اندیشه.

منهم مانند بسیاری از هموطنان، برنامه گفتگوی آقایان علیرضا مبینی و فروزنده را دیدم و در شنیده ها دقت کافی کردم تا شاید بتوانم این تحریر را با حقایق مستند به گواهی آقایان گفتگوکننده، مزین و در اختیار هموطنانی که شاید فرصت کافی نداشته باشند بگذارم، چرا که مستورها و گمشده هانی در این گفتارها خودنما و آشکار میشود که تاکنون حداقل برای اینجانب روشن نبوده است.

شعرمن خود حاصل این گفتگوست خودشروعی از برای جستجوست (مولوی)

واما بعد

برای اختصار موضوع واز آنجا که گفتگوی، مفصلی نسبت به موضوعی محدود در آن برنامه جریان داشته اجازه فرمائید:

برداشتهای حاصل از گفتگوبصورت فهرست واربه اینجا منتقل و سپس دستاوردهای پیداشده آن عنوان شود.

برداشتها

۱- اُس و اساس اعتراض آقای فروزنده مترتب بردوپایه است:

پایه نخست - مشارکت آقای کورش عرفانی (نام اصلی؛ علی اکبر ملاجانی) و دیگران در مدیریت تلویزیون اندیشه است که بنا بر تصمیم آقای نادر درماتی که مالک تلویزیون میباشد صورت گرفته است. که چون بنظر آقای فروزنده آقای کورش عرفانی با نامهای مختلف در خارج از کشور خودشان را معرفی و فعال بوده اند و دیگران هم برخی اشکالات و ایرادات از باب عناوین دارند لذا آقای فروزنده همکاری با آنها را مناسب ندانسته و کنارگیری کرده است، و این درحالی بوده که آقای نادر درماتی علاقمند به ادامه خدمت ایشان در همان تلویزیون با همان حقوق و مزایا بوده اند.

دوم - گرایشهای سیاسی چپی آقای کورش عرفانی و دیگران. آقای فروزنده مدعی است که چپ گرانی که دشمن نظام پادشاهی است، آیا میتواند اداره سازمانی را عهده دار شود که میخواهد در جهت نظام پادشاهی باشد؟<

۲- تلویزیون اندیشه ابتدا بصورت یک تلویزیون تجاری بوده و بعدا رویه سیاسی انتخاب کرده است درآمد اندیشه از آگهی های تجاری ماهیانه حدود ۷۰ هزار دلار و هزینه آن حدود ۱۲۰ هزار دلار است، و بنا بر محاسبه آقای فروزنده کسری بودجه که موازی با ۵۰ هزار دلار در ماه

است بوسیله آقای نادر درمانی مقیم حومه مونترال کانادا تامین میشود و مدت ۳۴ ماه است که این روال کسربودجه و تامین کسری آن توسط آقای نادر درمانی ادامه دارد.^۱

۳- بنابراین اعلام آقای فروزنده، آقای نادر درمانی سلطنت طلب هستند و ایشان یعنی آقای فرامرز فروزنده جمهوریخواه میباشند، و بنا بر اظهار خودشان، جمهوری خواهی خودشان رابه شاهزاده هم اعلام کرده اند!

۴- باز بنابر اعلام آقای فروزنده، آقای نادر درمانی گفته است: «من حاضر نیستم زنده باشم و یک گوشه ایران تجزیه شود» همچنین آقای درمانی گفته است: «من دیگر به ایران برو نیستم ولی میخواهم یک کاری لااقل کرده باشم»!

۵- آقای درمانی عقیده داشته است که از همان ابتدای تاسیس تلویزیون اندیشه میبایست کار آگهی شروع میشد، و تلویزیون اندیشه از زمان مرگ ندا آقا سلطان به کارگاه سیاسی تبدیل گردید.

۶- مدیران جدید که منتخب آقای نادر درمانی هستند قول داده اند که اندیشه را در جهت وبه کیفیتی اداره کنند که دیگر زیان ندهد.

۷- آقای فروزنده نگران است که مدیران تازه تلویزیون اندیشه در جهت شورای ملی نباشند و اطمینان دادند که اگر تلویزیون اندیشه همچنان در جهت شورای ملی فعال باشد ایشان عذر خواهی کرده وبه کارشان در همان تلویزیون با همان مدیران تازه چپ گرا و مخالف شاه همکاری کنند!

۸- آقای فروزنده معتقدند که یک سازمان سیاسی معروف که نامش، را ذکر نکردند ولی بنظر میرسد که مجاهدین خلق هستند از آقای درمانی «مخ شونی» = با مغز شونی کرده اند.

۹- آقای فروزنده شرط بازگشتشان را به تلویزیون اندیشه دو شرط اعلام کرده است:

اول - همانطور که در ردیف ۷ اعلام شد مدیران تازه اندیشه به جانبداری از شورای ملی اقدام کنند
دوم - که بسیار مهم و توضیح بردار است این است که آقای کورش عرفانی از علیاحضرت فرح پهلوی عذر خواهی کنند.

مسئله خواننده این سطور انتظار دارد بداند، مقوله علیاحضرت چیست که عذر خواهی آقای کورش عرفانی شرط بازگشت آقای فروزنده شده است؟

۱۰- در گفتارهای مکرر آقای فروزنده یک عبارتی بکار گرفته شده که در عین اینکه بسیار قابل احترام و قائمه مبارزه سیاسی اعتقادی است، اسباب رسوائی ایشان هم هست است و جریان (واعظ غیر متعظ)^۲ را تداعی میکند عبارت ایشان چنین است:

«دردمکراسی ما نمیتوانیم تیری به پای خودمان شلیک کنیم، اگر طرفدار تجزیه ایران نیستیم فرصت تجزیه طلبی را نباید در تلویزیون فراهم کنیم»

^۱ - در یک محاسبه سر انگشتی در سی و چهار ماه گذشته از عمر تلویزیون اندیشه آقای درمانی معادل ۱،۷۰۰،۰۰۰ دلار ضرر داده است. -- ۵۰،۰۰۰ × ۳۴ = ۱،۷۰۰،۰۰۰ - کدام تاجر با شعوری تن به چنین ضرری میدهد... ح-ک

^۲ - آن شخصی است که، آنچه به دیگران توصیه می کند، خودش به آن عمل نمی کند. حافظ شیرین سخن در این باره می گوید: واعظان کین جلوه در محراب و منبر... ح-ک

ایشان در تشریح حقیقتی را که عنوان کرده میگوید: «وقتی تلویزیون اندیشه اعلام میکند که از نظام مشروطه پادشاهی حمایت میکند، از خط رضا پهلوی حمایت میکند، از خط مبارزه مدنی حمایت میکند، شما نمیتوانید از خطی صحبت کنید که مخالف اعتقاد شما باشد»

داستان علیاحضرت در این ماجرا

آقای فروزنده برای اثبات چپی بودن آقای کورش عرفانی از ماجرائی بعنوان دلیل چنین تعریف و شهادت داد.

«قبل از اینکه آقای کورش عرفانی برای بخشی از مدیریت اندیشه از طرف آقای درمانی انتخاب شود موردی پیش آمد که به ایشان پیشنهاد شد که با شاهزاده رضا پهلوی مصاحبه کند؛ من فرامرز فروزنده با آقای عرفانی صحبت کردم که آیا آماده این مصاحبه هست یا خیر، ایشان موافقت خودش را اعلام و گفت میدانید چه میکنم، چشمانم را به چشمانش میدوزم و میگویم که مادر شما درس ۷۰ سالگی در پاریس (در این موقع آقای فروزنده، نمایشی از تاتر و بغض درگلو نشان داد که حقیقا کارهنمندان حرفه ای در هنر سینمایی بود و بنده بیننده تصور کردم که آقای فروزنده از دست رفت ولی خوشبختانه، صحنه فوراً بحال عادی بازگشت)

آقای فروزنده بقیه ماجرا را چنین تعریف کرد؛ «عرفانی گفت که بعد به او - یعنی شاهزاده - میگویم که پدرت و پدر بزرگت چه جنایاتی کردند و خودش هم یک پایت بی ارزش است، من فروزنده اگر کسی به رضاشاه اهانت کند به محمد رضاشاه اهانت کند ناراحت نمیشوم ولی من میدانم که فرح پهلوی نقش بزرگی در توسعه فرهنگ و ادب ایران ایفا کرده است، وقتی کورش عرفانی این حرفها را زد پشت من لرزید.... من این جریان را به آقای درمانی گفتم و آقای درمانی گفتند که من از آقای عرفانی خواسته ام که کوچکترین کاری برای شورا انجام ندهد» (۷)

توضیحی درباره اتهام علیاحضرت فرح پهلوی

مطلبی را که آقای فروزنده از آقای کورش عرفانی نقل قول کرده منتسب به آقای منوچهر گنجی است، و به کلامی دیگر آقای عرفانی موضوع مطروحه و اعلام شده از طرف آقای منوچهر گنجی را عنوان کرده یعنی نقل قول گنجی را منتقل نموده است.

نمیتوان قبول کرد که آقای فروزنده به جریان امر که در کتاب زندگی پرماجرای رضاشاه صفحه ۲۲ مشروح و مفصل منتشر شده آگاه نباشد، خاصه که چندین بار هم بهنگام نقد مصاحبه های آقای گنجی موضوع عنوان شده است.^۳

ولی حیرت آنجاست که آقای فروزنده نه تنها اتهام فاحشگی که منوچهر گنجی به علیاحضرت فرح پهلوی و والاحضرت اشرف و حتی مادر شاهنشاه ایران داده، هیچگاه مطرح نکرده بلکه با احترام کامل با منوچهر گنجی مصاحبه نمود و یکی از افتخاراتش هم همین است که با منوچهر گنجی و اکبر گنجی مصاحبه کرده است.

^۲ - آقای منوچهر گنجی در تلویزیون اندیشه برنامه تلویزیونی داشت، و قابل پذیرش نیست که آقای فروزنده از اندیشه های آقای منوچهر گنجی در مقامی که مدیریت تلویزیون اندیشه را داشته است بی خبر بوده و پذیرفته به آقای گنجی برنامه بدهد. ح-ک

امادستاوردها

اول نقشِ عادتِ ما ایرانیان

متأسفانه یکی از عادات ما ایرانیان این است که وقتی سوارکاری شدیم دیگر حاضر به پیاده شدن نیستیم، و خیال میکنیم که آن مقام و کار، ارث اجدادی ماست و اگر هم از کار و مقام برکنار شویم اولین دشمن ولینعمت خودمان خواهیم بود، و ابتدا قبول نداریم که «هرکسی پنج روزه نوبت اوست»

نمونه های بسیاری در دست است که زنده ترین و تاریخی ترین آنها ارتشبد فریدون جم است که وقتی بملاحظات میهنی به امر شاهنشاه برکنار و به سفارت ایران در اسپانیا منصوب شد به دشمن شاهنشاه تبدیل گردید، تا جایی که حاضر به قبول وزارت جنگ دولت بختیار که بفرمان شاه به نخست وزیری رسیده بود نشد و گفت حاضر است وزیر جنگ خمینی بشود.

ریشه روانی مخالفت آقای فروزنده برمیگردد به همان عادت ما ایرانیان که عادت مزبور با یک عادت دیگر هم همراه است و آن بهانه آوردن و اتهام زدن است، چرا که بالاخره یک چیزی لازم است که عادت نادرست مارابه ادعای دائمی مقام پوشش دهد.

ماهیت شکایت و یا ادعای آقای فروزنده، ادعای منطقی نیست و ادعای نظری و احساسی است. ادعای منطقی از وجود قرارداد بین کارفرما و کارگر ناشی میشود و ادعای احساسی و نظری تمایلات کارگر و یا کارفرماست که چون پایگاه قراردادی ندارد برپایه های بهانه ها ساخته شده است دقیقاً ادعا و بهانه های آقای فروزنده.

کارفرمایی که بقول آقای فروزنده ۳۴ ماه هرماه حدود ۵۰ هزار دلار زیان کاری را تحمل میکند حق مسلم و خلل ناپذیر دارد که مدیر و مسئول آن کار را کنار بگذارد و شخص دیگری را که احتمالاً بتواند موازنه تجاری ایجاد کند بجای او مستقر سازد، و هیچگونه حق مخالفت و یا ایجاد شرط و شروطی هم برای کارگر نیست، بغیر از آنچه که در قراردادش ذکر شده است. این حق مسلم کارفرماست که موضوع رابه دادگاه حواله کند حسابرسی بخواند و معلوم شود علت این زیان، ندانمکاری و یا سوء استفاده و یا حیف و میل بوده است، یا خیر، و غالباً مدیران برکنار شده که نگران حسابرسی هستند دست پیش میگیرند که عقب نمانند.

دوم - دستاوردهای گفتگوها

بهانه آقای فروزنده به اینکه آقای عرفانی (ملاجانی در نام اصلی) چپ گراست و نمیتواند عهده دار تلویزیونی باشد که در جهت نظام پادشاهی است، از نظر ماهیت وارد است ولی در مورد تلویزیون اندیشه و شخص آقای فروزنده بسیار مبتذل است. ابتذال روشن اینکه کوچکترین دلیلی بر اینکه تلویزیون اندیشه سلطنت طلب شناخته شود وجود ندارد و بنده شاهد این اعلام هستم، و حقیقت این است که اندیشه، هم چپ و جمهوریخواه است.

آقای فروزنده در همین گفتگو خودشان را جمهوریخواه معرفی میکند، آیا این ابتذال و سالوسی نیست که یک جمهوریخواه مدیریت یک سازمانی را عهده دار باشد که بقول آقای فروزنده در جهت نظام

^۴ - عددی که عدد دگر را تجزیه کننده باشد. مانند سه که عادت نه است، و چهار که عادت دوازده است، در چم فرهنگی به مردمی گفته می شود که روش و رفتارشان نا شناخته باشد، ندانند که چگونه عادتی دارد... ح-ک

پادشاهی فعال است (مرگ خوبست برای همسایه)! اساساً از نظر تشکیلاتی و جامعه عقیدتی این چنین امری غیرعادی نیست؟ مثل این است که پیشنماز یک مسجد مسلمانان یک خاخام یهودی باشد.

آیا در تمام سی و چند سال مبارزه ایرانیان خارج از کشور دیده شده است که مدیر و تصمیم گیرنده یک تلویزیونی که در راه سلطنت فعال است یک جمهوریخواه باشد؟ و برعکس؟

آری محال و غیرممکن است، ولی در صورتی که آن مدیر، یک شخصیت رهبری و بی پرستی باشد چرا که نه <نقد را بچسب گور پدر عقیده>.

آقای فروزنده در همین گفتگو، آقای نادردرمانی را سلطنت طلب معرفی کرده است، آیا باور کردنی است که یک سلطنت طلب ماهیانه ۵۰ هزار دلار زیان تلویزیونی را بدهد که مدیر آن یک جمهوریخواه است، محال است یک کاسب و سرمایه دار آنقدر نفهم و بی عقل باشد که ۳۴ ماه نزدیک به دو میلیون دلار تحمل زیان بکند در حالی که الزامی به ادامه کار نداشته باشد؟

البته، برای یک صراف که واسطه نقل و انتقال پول است و کاری به مصرف پول به انتقال دهنده ندارد و فکرش دریافت کمیسیون است، انجام چنین امری معمول است، ولی غیرممکن است که حتی یکنفر در دنیا پیدا شود که چنین زیانی را بامیل و علاقه تحمل کند.

آقای فروزنده مدعی است که آقای درمانی از همان روزتاسیس تلویزیون اندیشه به فکرپخش آگهی تجاری بوده است، و آقای میبیدی هم آقای فروزنده را بعنوان شخصی که به پیشبرد فرهنگ و معرفت، در جامعه کوشیده است معرفی کرد، و آقای درمانی هم آنطور که شایع است در کار خرید و فروش اتومبیل مشغول است، بنابراین قصد و نیت آقای درمانی استفاده از آقای فروزنده بعنوان یک عامل بازرگانی بوده است، نه کارسیاسی، مسئولیت عامل مشخص است. از نظر حقوقی، اگر عامل صاحب سرمایه را به امور واهی فریب دهد و یا بعزت عدم تجربه و کاردانی موجب از بین رفتن و یازیان سرمایه دار شود مسئول است.

آقای فروزند مدعی است که موضوع ندا آقا سلطان، سبب شد که تلویزیون اندیشه سیاسی شود.

اشاره قابل استفاده ای است. معلوم قضیه این مشهود است که بعد از جریان سال ۸۸ و موضوع ندا آقا سلطان، فعالیت های زیادی در جهت سیاسی شدن فعالیت ها شروع شد، چرا که آمریکائی ها مشعل ندا آقا سلطان را فروزان ساختند و لهذا موضوع مرگ ندا به فعالان بازرگانی اشاره ای بود که ممر در آمد تازه ای بوجود آمده و از آن جمله بود تلویزیون اندیشه. گرچه، مرگ ندا آقا سلطان برای آزادی ایران بهره ای نداشت ولی منافع بسیاری برای شارلاتانها داشت.

آقای فروزنده میگوید: <اگر ما طرفدار تجزیه ایران نیستیم فرصت تجزیه طلبی را نباید در تلویزیون فراهم کنیم> و در عین حال یکی از شرایطشان برای بازگشت به اندیشه حمایت تلویزیون اندیشه از شورای به اصطلاح ملی! است و در این شرط یعنی حمایت تلویزیون اندیشه از شورای به اصطلاح ملی! که آبستن از منشور آن است، آنچنان جدی و محکم است که با آنکه کارفرمای ایشان آقای درمانی گفته است مرگ برایم گوارا تر از تجزیه یک گوشه ایران است، معهداً ایشان همچنان استوار در حمایت از شورا و در نهایت منشور آن که اساس آن بر ماده ۱۱ و ایجاد فرصت و زمینه ساز تجزیه ایران مستقر است ایستادگی فوق العاده و غیرعادی از خود نشان میدهند.

ایشان در همین گفتگوها گفته است: <شما نمیتوانید از خطی صحبت کنید که مخالف اعتقاد شماست>

مفهوم این اظهاردرست ایشان، درمورد خود آقای فروزنده این است که او موافق تجزیه ایران است. چرا باید کسی که مخالف تجزیه ایران است و آنرا با مرگ خود مساوی میدانند ماهیانه ۵۰ هزار دلار در اختیار کسی بگذارد که سروجان برای تجزیه ایران میدهد.

آیا آقای فروزنده معنا و مفهوم ماده ۱۱ منشور شورای باصطلاح ملی! رانمیداند؟ بنده تا قبل از شنیدن اظهارات ایشان در این مصاحبه تصور دیگری از فهم و دانش ایشان داشتم ولی این مصاحبه، بطلان تصور را به عیان نشانم داد؛ >آنکه چون پسته دیدمش همه مغز، پوست در پوست بود همچو پیاز<

به دلایلی توجه فرمائید

آقای فروزنده گفت؛ اهانت به رضاشاه و محمد رضا را تحمل میکنم ولی اهانت به فرح پهلوی را خیر، زیرا فرح پهلوی خدمات فوق العاده ای به فرهنگ و ادب ایران کرده است (مشروح اظهارات ایشان در بالا آورده شده)

نمیتوانم دربی مخی! کسی شک کنم که خدمات رضاشاه کبیروشاهنشاه ایران رابه فرهنگ و آموزش و ادب ایرانیان در حدی نادیده بگیرد که حق آنان را اهانت بدانند، و آنچنان از غافله تحقیق و کار فرهنگی بی مایه باشد که نداند خدمات علیاحضرت به فرهنگ و ادب ایران، در مقابل خدمات و زیر سازی های وسیع و عمیقی که برای پیشبرد و درخشان فرهنگ ایران زمین و همگانی سازی فرهنگ از سوی شاهان پهلوی معمول گردیده قطره ای هم محسوب نمیشود. و نمیتواند بفهمند که اگر علیاحضرت قدمی برداشت بعلت همسری شاهنشاه بود نه شخصیت طبیعی ایشان.

دشوار است برای کسی قائل به مغز و شعور شد که این واضح را تشخیص ندهد و بیابد و ولی کین و دشمنی باشاهان پهلوی سبب این پرده پوشی ها گردد. °

دلیل دوم اینکه یک ایرانی هر قدر عقب مانده از فرهنگ و ادب ایرانی، میدانند که اهانت به شاه در حد اهانت به خدا و میهن است و هیچ ایرانی با فرهنگی حاضر به شنیدن اهانت به شاه نیست ولی ایشان یعنی کسی که برنامه ساز و مدیر تلوویزیون اندیشه است کک مبارکشان هم از اهانت به شاه آزرده نمیشود.

وقتی دیدم که آقای میبیدی هم شریک این ادعای آقای فروزنده در لیاقت اهانت به شاهان پهلوی است و با سکوت و تائید به اظهارات فروزنده اصالت بخشید از عنوان این تحریر که (گفتگوی دو همکار) است نادم گردیدم و دیدم عنوان (گفتگوی دو همکار ریا کار و نامنصف) تناسب بیشتری داشت.

صدرها از عالمان و منصفان یکسر تهی است صدر در دست بخیل و وظائف و بطل ماند

سوال از آقای فرامرز فروزنده

آقای فروزنده، از آنجا که در همین مکالمات گفتید که شما یک پرسش کننده هستید و جواب میخواهید بنده هم به این تصور که سرکار اهل سوال و جواب هستید سوال زیر را مطرح میکنم:

° - آقای فرامرز فروزنده بارها این کین و دشمنی را در برنامه های خود، در گفتگو با میهمانانشان و دفاع از مواضعی که به مواضع توده ای ها و جبهه ملی بسیار نزدیک تر است تا به یک نمایش از دموکراسی بخوبی نشان داده اند. ح-ک

معلوم سوال این است که تلویزیون اندیشه به مدیریت حضرتعالی شاخص و فعال ترین رسانه در جمع آوری اعانه بوسیله رسانه ها بوده اید، و حسب اعلام رسانه ها مبلغی در حدود ۵۰۰ هزار دلار جمع آوری شد، که در اختیار آقای درمانی قرار گرفته است، که کار فرما و صاحب تلویزیون اندیشه است، و شما تنها کسی هستید که روابط مالی و حساب و کتاب با ایشان یعنی آقای درمانی داشته و دارید.

معلوم دوم اینکه آقای رضا پیرزاده اظهار داشته که از آن ۵۰۰ هزار دلار سهمی به شورای به اصطلاح ملی! تعلق نگرفته است. یعنی برخلاف آنچه که در تبلیغات رسانه ای گفته شده وجه مزبور در جهت پیشبرد مقاصد شورا مصرف نشده، و در کلامی ساده نیت و قصد اهدا کنندگان پول رعایت نشده.

مجهول معادله که حل آن برعهده حضرتعالی است اینهاست:

دقیقا مبلغ جمع آوری شده چه مقدار است؟ زیرا در امر حساب و کتاب، حتی سنت هم جای خود را دارد و کلمات در حدود و تقریبا و غیره، مقامی از توجه ندارند.

دوم - چرا و حسب کدام قرارداد و یا مصوبه ای وجوه جمع آوری شده در اختیار یک شخص آنهم آقای نادر درمانی قرار گرفته است؟ و هدف واقعی از قرارداد پول در اختیار آقای درمانی چه بوده است و در حالیکه وجه مزبور آنطور که آقای پیرزاده گفته به خرج شورای ملی نرفته، وضعیت این پول چیست و حساب و کتابش کجاست؟